

1. من برای موعظه امروز خود آیات ۲۲ تا ۳۳ از باب ۱۴ انجیل متی را انتخاب کردم. در این آیات، عیسی مسیح به ما نشان می‌دهد که چگونه می‌توانیم ایمان خود را در مواقع دشوار تقویت کنیم و چگونه در این شرایط به ما کمک می‌کند. ما در عصر تکنولوژی زندگی می‌کنیم. احتمالاً به همین دلیل است که گاهی فراموش می‌کنیم که خدا در میان ماست. اما اگر این آیات را خوب بفهمیم، دوباره به یاد خواهیم آورد که پروردگار ما هرگز ما را در سختی‌ها فراموش نکرده و همیشه با ما و در میان ماست.

2. همه ما ناامیدی‌ها و سختی‌های زیادی را در زندگی خود تجربه کرده ایم که شبیه طوفان در دریا است. مشکلات مالی، مهاجرت، جنگ، تغییرات آب و هوایی، مشکلات در زندگی شخصی. اما اگر صادقانه در گذشته خود بررسی کنیم، می‌بینیم که یک نیروی قوی و شگفت‌انگیز همیشه به ما کمک کرده و ما را نجات داده است تا بتوانیم دوباره بلند شویم و به زندگی ادامه دهیم. شاید گاهی مسیرهایی که پیش روی ما قرار می‌گرفت با خواسته‌ها و انتظارات ما متفاوت بود. اما من به این باور رسیده‌ام که روشی که خدا برای ما برنامه‌ریزی می‌کند همیشه بهترین است، حتی اگر در ابتدا اینطور به نظر نرسد.

3. کلمات و متن این آیات در ابتدا فقط مانند دیگر معجزات عیسی به نظر رسید. اما همینکه عمیق‌تر به آن فکر کردم، متوجه شدم که بینش‌های جدیدی وجود دارد که می‌خواهم امروز با شما در میان بگذارم. بنابراین، من می‌خواهم جملات خاصی را که به ویژه برای من جذاب بود برجسته کنم.

عیسی از شاگردان خواست تا سوار قایق شوند و به سمت دیگر دریاچه بروند، بدون اینکه آنان را همراهی کند (متی 14:22).

4. ما اغلب در زندگی با مسیرهایی روبرو هستیم که فکر می‌کنیم می‌توانیم به تنهایی، با کمک تجربه یا نیروی خود، آن‌ها را مدیریت کنیم. ما شاگردان عیسی را به عنوان متخصصان دریانوردی و ماهیگیری می‌شناسیم. اما شاگردان نمی‌دانند که عیسی آینده را می‌داند. او می‌خواهد به آنها بفهماند که یک مسیر آشنا و به ظاهر آسان گاهی اوقات می‌تواند بسیار خطرناک باشد. وقتی مردم مشکلی را حل کردند، اغلب فراموش می‌کنند که ما

همیشه برای موفقیت به کمک خدا نیاز داریم. اغلب اوقات فراموش می‌کنیم که در زندگی روزمره از خدا تشکر کنیم و به یاد داشته باشیم که او هرگز ما را تنها نگذاشته است.

5. وقتی 18 ساله بودم، به دلیل ادامه تحصیل در دانشگاه از زادگاهم به پایتخت، تهران نقل مکان کردم. این تجربه خوبی برای من بود و به همین دلیل مطمئن بودم که مهاجرت به آلمان برای من بدون مشکل خواهد بود، بدون اینکه فکر کنم چه مشکلاتی در انتظارم است.

من بیش از 15 سال در ایران به عنوان پرستار کار کردم و ترسی از شروع مجدد کار در این زمینه نداشتم. اما راه رسیدن به شغل پرستاری در آلمان و تفاوت‌هایی که در وظایف کاری وجود داشت برای من تبدیل به یک طوفان شد.

6. یاران عیسی با خود فکر کردند که «ما حرفه‌ای هستیم، چرا عیسی باید با ما باشد!» متأسفانه، آنها به همان اندازه اشتباه می‌کردند که ما اغلب در زندگی روزمره خود دچار اشتباه می‌شویم و فکر می‌کنیم که انجام یک کار عادی و روزمره نیازی به همراهی خداوند ندارد.

یاران عیسی در حدود ساعت ۳ تا ۶ صبح دچار طوفان شدند (متی 14:25 آغاز). تصور کنید ساعت 3 صبح است. دندان درد شدید دارید. هیچ مسکنی در خانه وجود ندارد. با دوستانتان تماس می‌گیرید، اما جواب نمی‌دهند چون در خواب عمیقی هستند. باران شدیدی می‌بارد و هوا بسیار سرد است و شما ماشین ندارید تا خود را به درمانگاه برسانید. در این حالت چیکار می‌کنید؟ مسلماً شما برای نجات فریاد می‌زنید و با گروه نجات یا اورژانس تماس می‌گیرید.

7. وقتی ناامیدی و ناامیدی بر ما مسلط است، همین اتفاق برای ما می‌افتد. اگر راه حلی پیدا نکردیم وقتی فقط تاریکی هست وقتی همه جاده‌ها بن بست هستند. جایی که هیچ دوست و رفیقی نمی‌تواند به ما کمک کند و ناامیدی مانند شبح مرگ در جاوی چشمان ما ظاهر می‌شود. سپس ما صدا می‌زنیم یا فریاد می‌زنیم و کمک می‌خواهیم و عیسی مسیح مانند منجی ظاهر می‌شود.

8. شاگردان در وسط دریاچه دچار طوفان شده اند. هنگامی که یک قایق یا کشتی در طوفان گرفتار می شود، موقعیت و مسیریابی خود را از دست می دهد و پیدا کردن قایق یا کشتی را حتی با کمک فناوری، بسیار دشوار یا غیرممکن می کند و به اصطلاح "گم" میشود. همین اتفاق زمانی می افتد که فردی دچار مشکل بزرگی مانند یک بیماری جدی شود. مشاوره و درمان پزشکی هیچ کمکی به او نمی کند. فرد مبتلا در طوفان بیماری خود را از نظر روحی و جسمی از رفته میبیند. گوش هایش از شنیدن مشاوره ها ناتوان است. به دلیل شرایط استرس زاء، بدن او درمان ها را رد می کند. در آن لحظه فریاد می زند: "خدای عزیز، لطفا کمک کن" و راه حل های شگفت انگیز و باورنکردنی پیدا می شود.

9. جمله امیدوارکننده از یک فرد ناشناس به او امیدواری می دهد. ملاقات ناگهانی با بیمار دیگری که همین مشکلات را داشت و به خوبی درمان شده به او قدرت جنگیدن میدهد. لبخند کوچکی از فرزندش باعث میشود که دوباره عاشق زندگی کردن شود. همه این ها، راه های فراری هستند که به ما قدرت جدیدی برای ادامه مبارزه و ادامه زندگی می دهند. تعجب می کنم: چگونه عیسی شاگردان خود را در طوفان، در وسط دریاچه، جایی که فناوری بشر درمانده می شود، پیدا کرد؟ فقط با یک بار صدا کردن؟ چرا خجالت می کشیم او را صدا کنیم؟ او با لبخند و محبت خود به کمک ما می آید و می گوید «من هستم، نترسید»

10. نکته جالب دیگر برای من این است که در کتاب مقدس در مورد معجزات عیسی در زمین صحبت شوه و اکنون در مورد معجزه نجات او در دریا می خوانم. این بدان معنی است که موقعیت جغرافیایی برای عیسی بی اهمیت است. او در آسمان و زمین پروردگار است. او همه جا با ماست. پس می توانم برای بچه های اوکراین دعا کنم. من می توانم برای مردم ایران یا افغانستان دعا کنم. من می توانم برای مردگان در بهشت دعا کنم، حتی و به خصوص اگر آنها مسیحی نبودند: که عیسی همچنان آنها را نجات دهد.

11. پطرس از عیسی میخواهد که به او کمک کند تا روی آب برود، ولی میترسد. به نظر من در این آیه بسیاری از مردم دقیقاً مانند پطرس هستند. مردم در زندگی خود معجزاتی را از جانب خداوند تجربه کرده اند، اما فکر می کنند شاید این بار خدا در این

مورد خاص به آنها کمک نکند. ما زندگی خود را به خدا می سپاریم، اما چرا از عدم اطمینان و ضعف ایمان پاهایمان می لرزد؟

12. عیسی به او میگوید «تو کم ایمان هستی!» (متی 14:31 ج) از یک طرف شاید این جمله تأسف بار و ناراحت کننده باشد، اما از طرف دیگر، این حقیقت است. اما ما نباید فراموش کنیم که پطرس با تمام این تجربیات، از نظر ایمان قوی شد و یکی از بزرگترین حواریون در کل جهان شد، که برای من، این به این معنی است: من نباید ناراحت و ناامید باشم اگر در زمانهایی ایمانم خیلی کم است و پاهایم میلرزد. بلکه باید از آن درس بگیرم و ایمانم را تقویت کنم.

13. در پایان، شاگردان به عیسی می گویند: «تو واقعاً پسر خدا هستی. ما انسانها ذاتاً مغرور هستیم و خود را در زمان موفقیت شایسته سپاس و احترام می دانیم. " من خودم یک راه حل پیدا کردم" «این حق من بود»، " من انجامش دادم ". اما این توانایی ها از کجا می آیند؟ منشأ امید و خیری که من برای آن می جنگم از کجاست؟ این انگیزه را چه کسی به من داد تا تلاش کنم؟

14. به عنوان ایمانداران واقعی، باید با صدای بلند و واضح اعتراف کنیم که عیسی پسر خداست که همیشه به ما کمک می کند. این به ما کمک می کند ایمان خود را تقویت کنیم و جلال خدا را به دیگران نشان دهیم. چقدر زیباست وقتی به دیگران می گویم چگونه عیسی در طوفان های زندگی به من کمک کرد. چطور دست هایم را در دستانش گرفتم تا دوباره بلند شوم.

جماعت عزیز، متأسفانه هنوز سختی ها و طوفان های زیادی وجود دارد که خودمان نمی توانیم از آنها دوری کنیم یا آنها را حل کنیم. اما خوشبختانه، عیسی در میان ما است تا فوراً، همه جا، در هر لحظه و به روش های باورنکردنی به ما کمک کند.

آمین